

بسم الله الرحمن الرحيم

غزلیات صابر

صابر عداسی

انتشارات کرمانشاه

۱۳۹۷

سرشناسه	:	عباسی، صابر، ۱۳۶۹ -
عنوان و نام پدیدآور	:	Abasi Chaghagolani, Saber
مشخصات نشر	:	غزلیات صابر / صابر عباسی.
مشخصات ظاهری	:	کرمانشاه : انتشارات کرمانشاه، ۱۳۹۷.
شابک	:	۱۱۹ ص. ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س. م.
وضعیت فهرست‌نویسی	:	۱۵-3-6177-622-978 : ۱۸ هزار تومان
موضوع	:	فیپا
موضوع	:	شعر فارسی -- قرن ۱۴
رده ندی‌کنگره	:	Persian poetry -- 20th century
بندی دیویی	:	۱۳۹۷ غ ۲ / ۸۳۵۴ PIR
شماره کتابخانه	:	۸ / ۶۲ فا
	:	۵۵۲۱۶۶۶



نا کتاب
 غزلیات صابر
 شاعر: صابر عباسی
 ناشر: انتشارات کرمانشاه
 ناظر فنی چاپ: هادی
 طراح جلد: سعید منوچهری گنبدی
 صفحه‌آرا: سهیلا صیادپور
 نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷
 قطع کتاب: رقعی
 شمارگان: ۵۰۰ نسخه
 قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان
 شماره شابک: ۳ - ۱۵ - ۶۱۷۷ - ۶۲۲ - ۹۷۸

حق چاپ برای نویسنده محفوظ است.

آدرس: انتشارات کرمانشاه: خیابان آیت... کاشانی (دبیراعظم) طبقه دوم پاساژ مقدم

تلفاکس ۷۲۲۲۹۳۲ همراه ۰۹۱۸۸۳۶۳۰۶۴



فهرست

۹	شرح احوال
۱۳	غزل ۱ ساقیا در ده شراب ناب را
۱۴	غزل ۲ دوش پیر ما صلا در داد در دیر خراب
۱۵	غزل ۳ وصالی جز به هجرانت مرا نیست
۱۶	غزل ۴ گداخت جان و نشد یافت دل ز گیسویت
۱۷	غزل ۵ تا ز سجده به در میکرده ره هموار است
۱۸	غزل ۶ سخن نغمی و پیدا شد نهانت
۱۹	غزل ۷ آن که نظر بر می مدام است
۲۰	غزل ۸ بی رخت بر موایر شب غم نوری نیست
۲۱	غزل ۹ روزگاریست در دیر زمان مهر ماست
۲۲	غزل ۱۰ دیشب ز دیده خواب خشم بری بر گرفت
۲۳	غزل ۱۱ دوش از کفر سر زلف تو دل را دیر رفت
۲۴	غزل ۱۲ باز آی که بی مهر رخت روز و شب نیست
۲۵	غزل ۱۳ شامگاهی به در میکرده رندانه و مست
۲۶	غزل ۱۴ دلی دارم چه دل بحری ز خون است
۲۷	غزل ۱۵ چشم تو به شیوه، نرگس مست
۲۸	غزل ۱۶ سحرگه بلبلی با گل همی گفت
۲۹	غزل ۱۷ کنون که مشعل جامم شراب ناب افروخت
۳۰	غزل ۱۸ دیربست که با عشق تو از خود خبرم نیست
۳۲	غزل ۱۹ دوش با کام دل از غم، سخن صها رفت
۳۳	غزل ۲۰ خرم آن دیده که با روی تو دیدارش هست
۳۴	غزل ۲۱ بی تو ای شمع طرب جز دل سوزانم نیست
۳۵	غزل ۲۲ منم که خاک در او بر سر نهادم تاج
۳۶	غزل ۲۳ هر کسی را ز لب لعل تو خاتم باشد

- غزل ۲۴ یاد باد آنکه به ما یار چو نازی می کرد ۳۷
- غزل ۲۵ جمالت را دو دیده جلوه گاه باد ۳۸
- غزل ۲۶ دوش از مسجد به میخانه رهم افتاده بود ۳۹
- غزل ۲۷ تا به میخانه رندان گذر ما باشد ۴۰
- غزل ۲۸ مژده ای دل که دگر مونس جان باز آمد ۴۱
- غزل ۲۹ یاد باد آنکه دیده جای تو بود ۴۲
- غزل ۳۰ خوشا به دیده کسی کآمن و یار و باده گزید ۴۳
- غزل ۳۱ حاصل عمر به میخانه دمی بتوان دید ۴۴
- غزل ۳۲ عشق اگر باده از این بیش به جامم ریزد ۴۵
- غزل ۳۳ ه ای کوی تو عمرم به باد خواهد داد ۴۶
- غزل ۳۴ سحر بانه که با بادم حدیث عشق یاری بود ۴۷
- غزل ۳۵ بیا و غلام جزو که باد صحرا باد ۴۸
- غزل ۳۶ چو ابرو به افروز به دور جام بر آمد ۴۹
- غزل ۳۷ دوش وقت حرم با تو با باد آمد ۵۰
- غزل ۳۸ ساقی بیا که پرده ز کافیه شده ۵۱
- غزل ۳۹ گفتم که دل غمینم گناه غم از من آید ۵۲
- غزل ۴۰ گر یکدمم از عمر دمی با تو بر آید ۵۳
- غزل ۴۱ ه دهد عید نواز به سلیمان بهار ۵۴
- غزل ۴۲ دل من بی گل رخسار دلدار ۵۵
- غزل ۴۳ بیا و ز آتش می از دلم ظلام ببر ۵۷
- غزل ۴۴ باز در غربتم افتاد به سر یاد دیار ۵۸
- غزل ۴۵ هزار یارم آر افتد به دستی اندر کار ۵۹
- غزل ۴۶ منم چو چشم به محراب ابرویت به نماز ۶۰
- غزل ۴۷ ساقی اندر قدحم باده صافی انداز ۶۱
- غزل ۴۸ دیشب نوای عشق تو سازم بکرد ساز ۶۲
- غزل ۴۹ چو گشت زلف بتفشه ز باد عنبر بیز ۶۳

- غزل ۵۰ در آواز در شب گو سحر در آور باز ۶۴
- غزل ۵۱ دوش کیم بار امانت بنهادند به دوش ۶۵
- غزل ۵۲ باز این ندا ز عرش بیامد مرا به گوش ۶۶
- غزل ۵۳ باز در داد صلا پیر به میخانه عشق ۶۷
- غزل ۵۴ دیدی که یار رفت و نیامد قرار دل ۶۸
- غزل ۵۵ چون عکس ماه عارض ساقی فتد به جام ۶۹
- غزل ۵۶ دل از من برد و از دل برد آرام ۷۰
- غزل ۵۷ در دامن می کنی دردم نه دردم می دهی هر دم ۷۱
- غزل ۵۸ درد او اما ز درمان ساختیم ۷۲
- غزل ۵۹ چرا چو رو دیدارت کشیدم ۷۳
- غزل ۶۰ خیز تا سر به زار پیر خرابات نهیم ۷۴
- غزل ۶۱ صاقی بیار باده صاقی که در کشیم ۷۵
- غزل ۶۲ تو را بوسی ز لب زان که بر نمی بینم ۷۶
- غزل ۶۳ ساقیا وقت گل آن به ده سر می جوییم ۷۸
- غزل ۶۴ گریاد شراب لب جانان دهیم کاه ۷۹
- غزل ۶۵ دیربست تا در میکده هر روز به سر می رنم ۸۰
- غزل ۶۶ ما ز جانان جانفزایی خواستیم ۸۱
- غزل ۶۷ تو همچو نوری و من ظلمت شبان غمم ۸۲
- غزل ۶۸ روزگاریست که در میکده منزل دارم ۸۳
- غزل ۶۹ هر چند در نظر همه رندان می کشیم ۸۴
- غزل ۷۰ ما باب سلطنت نه به کوشش گشاده ایم ۸۵
- غزل ۷۱ ز خانقاه به میخانه گرهی بینم ۸۶
- غزل ۷۲ بیار بر من از آن غم که شد نشاط دلم هم ۸۷
- غزل ۷۳ ای ماه رویت خورشید مه گون ۸۸
- غزل ۷۴ ای ز خاکت جوی خون از نافه بر خاک ختن ۸۹
- غزل ۷۵ رخ باز و قد چمان و چمن را عتاب کن ۹۰
- غزل ۷۶ گفتم که؟ از لبث به یکی بوسه کامران ۹۱

- غزل ۷۷ جامی از آن باده عنبر فشان ۹۲
- غزل ۷۸ صوفی اگرش دست دهد توبه شکستن ۹۳
- غزل ۷۹ عهد شبابست و گل نوش می لاله گون ۹۴
- غزل ۸۰ نه آنکه کس نتوانم به دوست بگزیدن ۹۵
- غزل ۸۱ ای نسیم سحر از گیسوی دلدار بگو ۹۶
- غزل ۸۲ عزم وفات می کنم بهر وصال روی تو ۹۷
- غزل ۸۳ ای خون خاک ره به موی نافه بار تو ۹۸
- غزل ۸۴ الا ای همنشین یار جانی ۹۹
- غزل ۸۵ ای خاک آستانت بر دیده روشنایی ۱۰۱
- غزل ۸۶ ای را خانه ز تو جای پری ۱۰۳
- غزل ۸۷ اگر به باده به جامم روا نمیداری ۱۰۴
- غزل ۸۸ در خرف ز می والی اولی ۱۰۵
- غزل ۸۹ در دیر مغال از دست از لعل تو ربائی ۱۰۶
- غزل ۹۰ دلا تا خود بینی بت رستی ۱۰۸
- غزل ۹۱ گرت ز دست براید ز باده یک سو سه جامی ۱۱۰
- غزل ۹۲ ای به خاکت روی ما را آتشی ۱۱۱
- غزل ۹۳ گر دهد دست که گیرم سر زلف ساقی ۱۱۲
- غزل ۹۴ دلا چو باد گر آشفته ای ز بی ثمنی ۱۱۳
- غزل ۹۵ چو طوق آر دست کوتاهم رسد در گردنت روزی ۱۱۴
- غزل ۹۶ رونق عیش رسید و لب جام و کامی ۱۱۵
- غزل ۹۷ ای که باقی می ای از عالم فانی داری ۱۱۶
- غزل ۹۸ ای که رخ گنج حسن بنمایی ۱۱۷
- غزل ۹۹ به خمار عشق بازان که دهد شراب نابی ۱۱۸
- غزل ۱۰۰ آمد به قد چابک در ره چو سرو نازی ۱۱۹